آزمون سخت نجات مدارس دولتی

■ صحرایی برای وزارت آموزش‌وپرورش به مجلس معرفی شد، او چه ماموریت‌های مهمی پیش رو دارد؟

■ با تاثیر ۶۰ درصدی امتحانات نهایی سوم دبیرستان چقدر به عدالت آموزشی نزدیک می‌شویم؟

■ وضعیت بی‌عدالتی محض مدارس دولتی چگونه بهبود پیدا می‌کند؟

■ ایده واگذاری کامل آموزش به بخش خصوصی چطور شکل گرفت و چگونه منتفی شد

ابوالقاسم رحمانی
دبیرگروه جامعه

این گزارش قرار بود مقدمه دیگری داشته باشد. یعنی طور دیگری شروع می‌شد، منتها وقفه‌ای که در انتشار آن ایجاد شد، نه در کلیت و نتیجه‌گیری، ولی در حد شروع گزارش تغییر و تحولاتی ایجاد کرد. اگر پیگیر ماجراهای کنکور باشید یا بین نزدیکان و آشناها کسی در پیچ‌وخم به‌اصطلاح ماراتن کنکور باشد و کمی پای درددل‌هایش بنشینید می‌بینید تقریبا همه آنها سردرگم از تصمیمات گرفته‌شده و در شرف گرفته شدن هستند. یعنی خیلی از دانش‌آموزان کنکوری هنوز نمی‌دانند عاقبت آزمون سراسری در کشور چه خواهد شد و آیا شاخ این غول شکسته خواهد و از شر آن راحت خواهند شد یا همچنان با آن سرشاخ خواهند بود؟ یا اصلا به فرض حذف کنکور شرایط بهتر خواهد شد و ما گامی در مسیر عدالت آموزشی برخواهیم داشت و صندلی‌های خوب دانشگاه‌ها به‌طور برابر بین متقاضیان، از هر شهر و منطقه‌ای، از هر کلاس و مدرسه‌ای، چه برخوردار و چه کمتربرخوردار به مساوات تقسیم خواهد شد؟ راستش را بخواهید، در خوشبینانه‌ترین حالت و با چندین سال تجربه نوشتن در ارتباط با وضعیت نظام آموزشی کشور و ساعت‌ها گفت‌وگو با دانش‌آموزان و کارشناسان، من هم می‌توانم اظهار بی‌اطلاعی از آینده بکنم ولی خب از انجایی که خوش‌بین بودن همیشه هم خوب نیست، دعوت می‌کنم ضمن تحلیل و تماشای وضعیت موجود، چند خطی را که در ادامه و در گفت‌وگو با کارشناسان و صاحبنظران حوزه آموزش‌وپرورش کشور پشت سر هم ردیف کرده‌ام بخوانید، احتمالا چیزهای زیادی عایدتان خواهد شد و نتیجه‌گیری و چینش مهره‌های تصمیم‌گیر در فضای آموزشی و تصمیمات آتی، قرابتی با آن خوش‌بینی ندارد و در انتها می‌توانم ادعا بکنم دانش‌آموزان ایرانی اولا در یک فضای عادلانه تحصیل نمی‌کنند، ثانیا تصمیم‌گیرها و تصمیم‌گیری‌ها قرابت چندانی با عدالت در امر آموزش ندارد و ثالثا قطار آموزش‌وپرورش با دست فرمان تصمیم‌گیران جدید به سمت نوعی فروپاشی درحال حرکت است. ناگفته نماند در این گزارش به ۳ مورد از اصلی‌ترین مسائل از شبکه مسائل مربوط به امر آموزش که در این روزهای بی‌رهبری وزارتخانه چراغ خاموش درحال پیش روی و تثبیت است اشاره می‌کنیم و در گفت‌وگو با صاحبنظران هر دو مورد را به چالش می‌کشیم و از سایه‌روش‌های آنها می‌نویسیم. یکی ماجرای افزایش سهم آزمون‌های نهایی در گزینش دانشجو، با همان سهم امتحان نهایی در کنکور و دیگری هم آموزش پته‌ای یا کوپنی که این روزها بیشتر از هر زمان دیگری مدافعان این مدل آموزش با نفوذ در ساختارها و نهادهای تصمیم‌گیر سعی در پیاده‌سازی ایده فریدمن در نظام آموزشی ایران را دارند. ایده‌ای که بارها امتحانش را پس داده و هربار و در هر کشور هم موردشده و درنهایت منجر به تعمیق شکاف‌ها به جای ترمیم عدالت در آموزش شده است.

از سهم امتحان نهایی در کنکور تا مدارس پته‌ای؛ خلاف مسیر عدالت‌آموزشی شنا نکن

خب برای اینکه گام به گام باهم پیش برویم و دو مساله با هم خلط نشوند ابتدا به ماجرای سهم امتحانات نهایی در گزینش دانشجوها اشاره می‌کنیم و بعد آن یکی. ۲۴ اردیبهشت‌ماه امسال محسن زارعی، رئیس مرکز ارزشیابی و تضمین کیفیت نظام آموزش‌وپرورش در نشست خبری با موضوع برگزاری آزمون‌های نهایی خرداد ۱۴۰۲ اظهار کرد: «طبق مصوبات ۸۴۳، ۸۵۵ و ۸۶۳ شورای عالی انقلاب فرهنگی، سهم سوابق تحصیلی داوطلبان کنکور در سال جاری به‌صورت ۴۰ درصد قطعی و سال آینده ۵۰ درصد خواهد بود و این سهم تا سال ۱۴۰۵ به ۶۰ درصد خواهد رسید. دانش‌آموزان تا سال گذشته در پایه دوازدهم تحت دوره آموزش عمومی بودند اما سنجش آنها در عمل توسط نظام دیگری انجام می‌شد و لذا مدرسه‌ای خوب بود که یا کلاس را تعطیل می‌کرد که دانش‌آموزان به کلاس‌های کنکور و مهارت تست‌زنی بپردازند یا معلمی خوب بود که کتاب را کنار گذاشته و تست‌زنی را آموزش می‌داد که این موضوع موجب خسران دانش‌آموزان و معلمان متوجه کتاب درسی